

# بسمه

## ثابت شده‌ها قرار است چگونه عمل کنند

برگه دیگر از تجربه‌ها قرار است رقم بخورد

« ص ۳ »



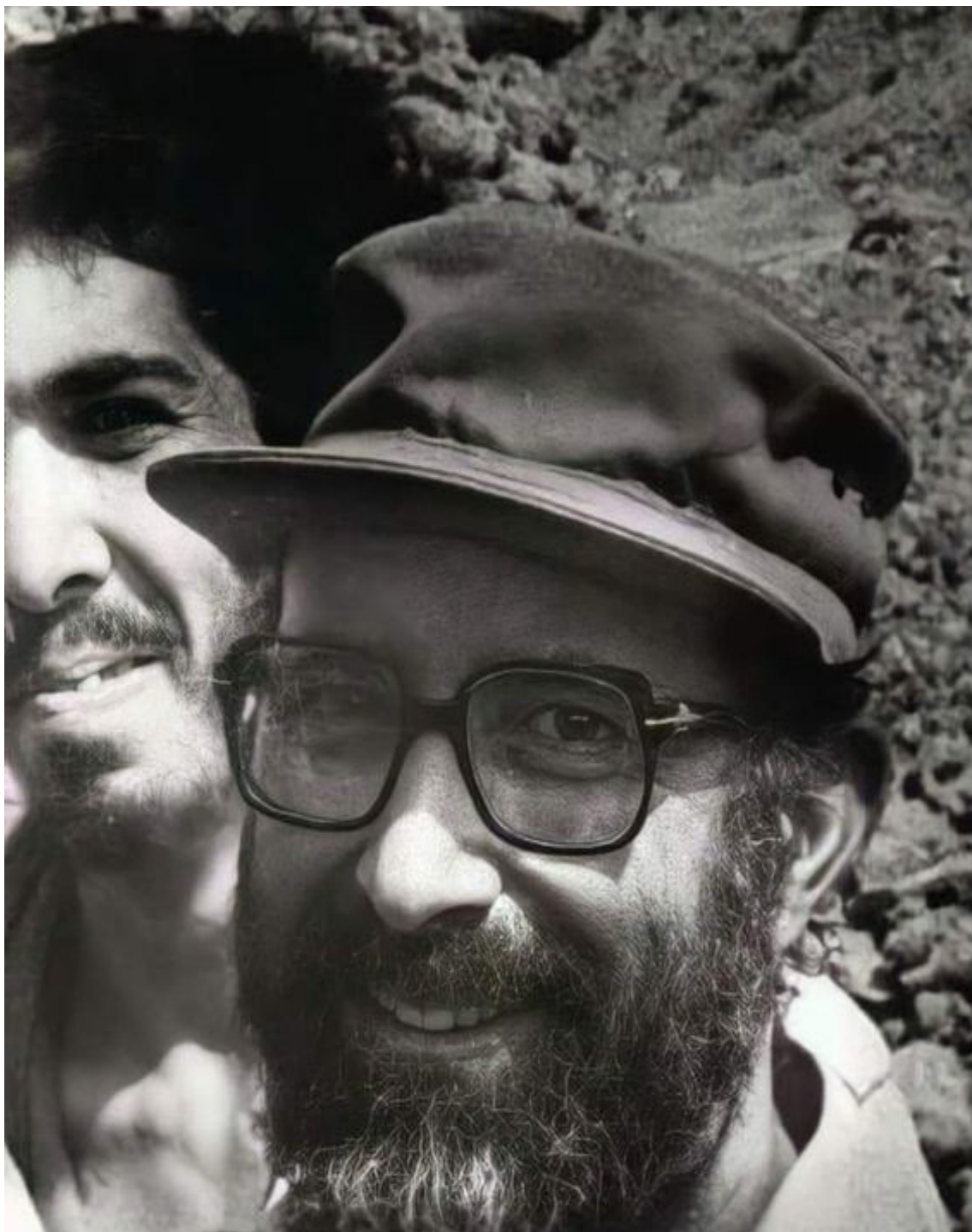
### سخن سردبیر

خطای راهبردی

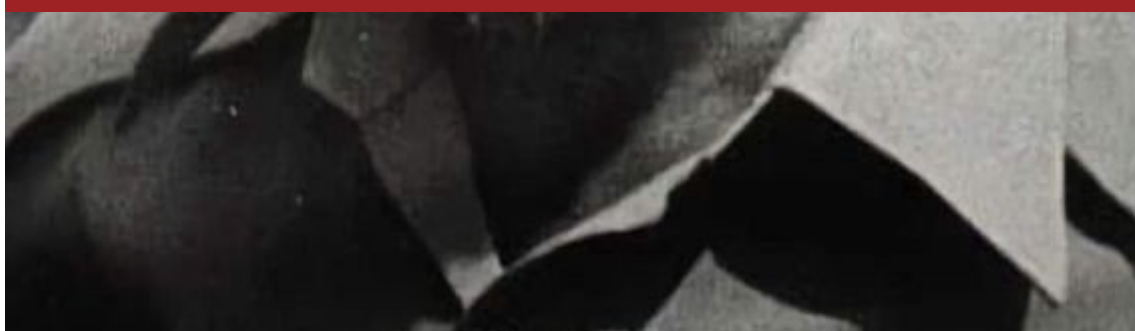
ترور شهید هنیه جنایتی است که نقض آشکار قوانین و حقوق بین‌الملل است و اگر جایی دیگر این اتفاقات می‌افتاد شورای امنیت تحت فصل هفت منشور ملل متحد عمل می‌کرد. از دلایل ترور اسماعیل هنیه می‌توان به نقش موثر او در منطقه غرب آسیا اشاره کرد. فشارهایی که علیه اسرائیل در رابطه با جلوگیری از تبدیل شدن تنش فعلی به یک جنگ منطقه‌ای آن هم در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا وجود دارد، تل‌آویو را در شرایط منفی روحی و نیز اقتصادی قرار داده‌است و اکنون ما شاهد ویرانگری در اسرائیل هستیم. به‌تازگی برخی منابع غربی در حال فضا سازی در زمینه پیشنهاد آتش‌بس سه‌جانبه‌ای از طرف آمریکا هستند و این‌گونه القا می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران با برقراری آتش‌بس در غزه از انتقام بزرگ خود صرف‌نظر یا در آن تجدیدنظر خواهد کرد. بی‌تردید این فضا سازی‌های پوچ بی‌اثر خواهد بود، زیرا جمهوری اسلامی ایران در تصمیم خود برای خونخواهی شهید اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی سابق حماس، محکم و قاطع ایستاده‌است. سیاست راهبردی جمهوری اسلامی قطعیت‌بخشیدن به آتش‌بس عادلانه و قطع نسل‌کشی و اتمام جنایت‌های رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی است. جمهوری اسلامی برای صلح و ثبات در دنیا از جمله منطقه و ژئوپلیتیک غرب آسیا و به‌ویژه در غزه تلاش‌های قابل توجهی انجام داده و نظرات خود را با صراحت و آشکارا بیان کرده‌است؛ بنابراین اگر دولت، گروه و جریان‌ی بخواهند موضوع آتش‌بس را با مجازات رژیم صهیونیستی و خونخواهی ملت ایران مرتبط کنند، دچار خطای فاحشی شده‌است.

نرگس خطیب دمانودی

این شماره از بی‌تعارف با افتخار تقدیم می‌شود به: شهید بهمن مرندی که در پی حمله قاچاقچیان در شهرستان ملکان آسیب دیده و به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.



قاب بیست و چهارم: بیست و ششم مرداد ۱۳۵۸؛ سالروز حماسه خونین پاوه به فرماندهی شهید مصطفی چمران



## ثابت شده‌ها قرار است چگونه عمل کنند؟

برگی دیگر از تجربه‌ها قرار است رقم بخورد.

● ریحانه زین الدینی-کارشناسی عمران

شدت بر روند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور تأثیرگذار است. در صورتی که این افراد از کارآمدی و دلسوزی لازم برخوردار باشند، می‌توانند با اتخاذ بر تصمیمات صحیح و مبتنی بر واقعیت‌های موجود به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کند. همچنین انسجام فکری و هماهنگی نظری بین وزرای معرفی شده و افرادی که پستی به آنها محول شده است می‌تواند کشور را از یکی از معضلات مهم دولت‌ها در دوره‌های قبل که منجر به عدم توافق فکری مشترک بین وزرا با دولت و با هم می‌شد کمک کند.

انتخاب‌های نادرست می‌تواند به عدم اعتماد مردم به دولت منجر شود و موجب نارضایتی‌های اجتماعی گردد. بنابراین ضروری است که در انتخاب افراد به شایستگی، تجربه و توانایی‌های آنها توجه ویژه‌ای شود.

همین‌طور بحث دیگر این است که توجه به جوانان و نیروهای انقلابی، که مورد تأکید رهبر انقلاب نیز قرار گرفته می‌تواند به ایجاد تحولی در فرآیندهای مدیریتی و اجرایی منجر شود.

آقای ظریف در دوران وزارت خود با چالش‌ها و موقعیت‌هایی مواجه شد که اثرات منفی بر اجرای عملکرد وظایف خود داشته‌است؛ عدم تحقق کامل برجام، ایجاد تنش‌های داخلی که دیپلماسی ایشان در برخی موارد نتوانست منافع کشور را به خوبی تأمین کند، منجر به افزایش فشار اقتصادی بر مردم شد. همچنین رویکرد ضعیف ایشان نسبت به مهم‌ترین مسئله منطقه‌ای که منجر به انتقاد برخی چهره‌ها نسبت به مسائل سوریه و یمن شد؛ که تأثیرات نامناسبی در تاریخچه عملکرد ایشان ایجاد کرد.

حال انتخاب‌ایشان به عنوان پستی که نوظهور است و رهبر انقلاب آن را نقطه عطفی برای پیشرفت می‌داند کمی بحث برانگیز است.

همچنین مسئله‌ای که پیش می‌آید این است که ایشان در معرفی فهرست اعضای خود کسانی را معرفی کردند که در زمان خودشان مفید و مؤثر نبوده‌اند.

در واقع بحث این است که انتخاب افراد برای پست‌های کلیدی در دولت جدید به

در شرایط کنونی کشور که با چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متعددی روبرو هستیم، ضرورت انتخاب افرادی که توانایی و تخصص لازم را داشته باشند بیش از پیش احساس می‌شود. ثابت شده که افرادی که در جایگاه‌های نادرست قرار می‌گیرند نه تنها نمی‌توانند مشکلات را حل کنند، بلکه ممکن است بر شدت این مشکلات نیز بیافزایند.

باتوجه به شرایط فعلی کشور و اقداماتی که شهید رئیسی در زمان ریاست خود انجام دادند و میراثی که برای دولت جدید به جا گذاشتند توقع می‌رفت که رئیس‌جمهور جدید در انتخاب افراد کابینه خود حساسیت بیشتری به خرج دهد و انتخاب‌های درست‌تر و تأثیرگذارتری داشته باشند که متأسفانه در حال حاضر این انتظار برآورده نشده‌است.

آقای ظریف به عنوان شخصی که در دولت گذشته عملکرد مناسبی از خود ارائه نداده و دلسوزی لازم را برای سرانجام رساندن وظایف خود نداشته‌است. چگونه ممکن است چنین فردی در پست جدید به درستی عمل کند؟

همچنین کابینه پیشنهادی دولت چهاردهم مردم را در یک شوک عظیم فرو برد. حضور افرادی از هر دولت شاید مزایایی داشته باشد اما قطعاً معایب بیشتری خواهد داشت که کمترین آن ناهماهنگی میان وزرا خواهد بود. از طرف دیگر حضور افرادی که سابقه کوچک ترین کار اجرایی و مدیریتی ندارند و قرار است این افراد سکان دار بخش‌های مهمی از کشور شوند. باید پذیرفت که نیاز داریم که به جای تکیه بر روابط و وابستگی‌های غیرکارشناسی، بر روی شایسته‌سالاری تأکید کنیم و افرادی را در مسئولیت‌ها قرار دهیم که بتوانند کشور را به سمت توسعه و پیشرفت هدایت کنند. این راهکارها می‌توانند به ما کمک کنند تا از فاجعه‌هایی که ناشی از انتخاب‌های نادرست است، جلوگیری کنیم و به آینده‌ای بهتر امیدوار باشیم.

خود داشته باشد. فرد دیگری که توقع انتصاب آن را نداشتیم، جناب آقای پیر محمدی است که به عنوان رییس سازمان برنامه و بودجه انتخاب شدند. ایشان با اینکه در تعیین سیاست‌های اقتصادی و مالی کشور تجربه زیادی دارد با این حال عدم پاسخگویی به مشکلات اقتصادی و افزایش نرخ تورم و بیکاری و کمبود شفافیت کافی از عملکردهای منفی ایشان بوده و اگر قرار باشد همینطور در پست جدید هم ادامه پیدا کند فاجعه‌ای پیش می‌آید که آینده جوانان ما را با تورم چند صد برابری روبرو خواهد کرد و مشکلاتی را به وجود خواهد آورد که تمام بار مشکلاتش را باید جوانانی به دوش بکشند تا همین حالا بیشترین فشار و تورم را تجربه کرده‌اند و منجر به نارضایتی‌هایی می‌شود که جلوگیری از آن غیر ممکن خواهد بود.

این نسل از مدیران، به دلیل ارتباط نزدیک‌تر با نیازهای جامعه و توانایی در نوآوری، می‌توانند راهکارهای مؤثری برای چالش‌های موجود ارائه دهند و رئیس جمهور در سخنان خود از این جمله پیروی کردند اما به آن عمل نکردند و با انتخاب آقای عارف به عنوان معاون اول رئیس جمهور همه را شگفت زده کردند.

با این حال جناب عارف باید ثابت کنند که توانایی مدیریت در این پست را دارند و رفتاری که در مسئولیت‌های قبلی خود که تأثیر منفی بر عملکرد اجرایی ایشان داشته است را باید مدیریت کنند تا بر مسئولیت جدید ایشان تأثیر نگذارد.

ایشان باید توانایی ایجاد اتحاد در بین جناح‌های سیاسی را به عنوان معاون اول داشته باشد و بتواند بر چالش‌های سیاسی به درستی غلبه کند تا نتایجی مورد قبول در پایان مسئولیت



## حوالی المپیک

این غیر سیاسی ترین دوره‌ی المپیک است

● محدثه مولایی - کارشناسی مطالعات زنان و خانواده

آفریقای جنوبی تقریباً ۷ دوره از المپیک محروم بوده‌است، به خاطر برقراری حکومت آپارتاید و تبعیض نژادی علیه سیاه پوستان آن هم سیاه پوستانی که تقریباً ۹۰ درصد جمعیت آن کشور را تشکیل می‌دادند. زیمباوه هم دوره یازدهم را به خاطر همین تبعیض‌های نژادی از حضور در المپیک محروم بوده‌است. یکی از محرومیت‌های جالب برای افغانستان است سال ۲۰۰۰، به دلیل اینکه حکومت طالبان زنان را از شرکت در هر نوع رشته ورزشی محروم کرده‌بود و این رفتار تبعیض آمیز با شهروندان کشور خودش باعث شد تا از المپیک محروم شود. کویت و کره شمالی هم دو دوره بعدی را محروم شدند و آخرین آنها هم، روسیه است. روسیه ۳ دوره المپیک را به خاطر دوپینگ سازمان یافته در طول مسابقات از دست داد، بعد از آن هم عنوان اتهامش تغییر کرد و در حال حاضر نیز به خاطر جنگ با اوکراین که باعث ظلم به بشریت ظلم و به انسان‌هاست، اجازه حضور رسمی در مسابقات را ندارد. ورزشکاران روس و بلاروس نیز

محروم بوده‌اند و نتوانستند در المپیک شرکت کنند. هفتمین دوره المپیک دقیقاً ۲ سال بعد از جنگ جهانی دوم برگزار شد و این اولین دوره‌ای است که کلمه محرومیت را به اساسنامه مسابقات اضافه شده‌است. در این دوره کشورهایی که آن‌ها را به عنوان متحدین (آلمان، اتریش، مجارستان، ترکیه و بلغارستان) به دلیل نقشی که در جنگ داشتند، در واقع کشت و کشتار، تجاوز به کشورهای دیگر، خون و خونریزی از المپیک شدند. آلمان به خاطر تحریم‌های جهانی بعد از جنگ جهانی اول و بعد هم راه انداختن یک کشتار جدید دیگر در جنگ جهانی دوم دو دوره دیگر نیز از شرکت در المپیک محروم شد. حالا سوال مهم اینجاست که چرا در طول جنگ‌های جهانی فقط تعدادی از کشورها از حضور از المپیک بازماندند در حالی که همه آنها در جنگ دخیل بودند؟ یکی از عوامل موثر آن است که کمیته بین المللی المپیک تشکیل شده از اعضای است که نماینده کشورهای مهاجم در آن حضور فعالانه دارند.

با گذشت حدود ۳ سال از المپیک قبل، به المپیک ۲۰۲۴ رسیده‌ایم و کاروان المپیکی اسرائیل نیز کنار دیگر کاروان‌های ورزشی دیگر کشورها جواز حضور در المپیک را کسب کردند. بی تفاوتی عجیب (کمیته بین المللی المپیک) نسبت به اعتراض‌ها به حضور اسرائیل در المپیک و روزهای سخت او در المپیک و تماشاچپانی که سرود ملی اسرائیل را (هو) می‌کنند مقدمه‌ای برای رفتن بر سر اصل مطلب است. بعد از گذشت حدود ۳۰۰ روز از جنایات اسرائیل در غزه و به بار آوردن چنین فجایع بشری در حق مظلومین و مردم بی‌پناه غزه و اعتراضات جهانی به این جنایات‌ها و سکوت مجامع بین‌المللی به المپیک رسیده‌ایم. اما بر خلاف اسرائیل، روسیه به دلیل دفاع از خود که حق قانونی او در برابر جنگ با اوکراین است از المپیک محروم شده‌است و اگر مزاح کرده باشیم این غیر سیاسی‌ترین دوره المپیک است. داستان محرومیت کشورهای خاص از المپیک چیز جدیدی نیست تا الان ۱۲ کشور در ۱۰ دوره المپیک

فقط می‌توانند مستقل و بدون حضور نام و پرچم و سرود ملی کشورشان وارد مسابقات بشوند. همه این کشورهایی که تا اینجا بدان‌ها اشاره شد به دلایلی از حضور در المپیک محروم شدند، که عبارت‌اند از: تبعیض نژادی، تبعیض جنسیتی، مشارکت در جنگ، تخریب، کشتار.

اما امسال سیاسی‌ترین دوره تاریخ المپیک است، آمار کشته شدگان جنگ روسیه و اوکراین چیزی حدود ۱۳ هزار نفر است. درحالی‌که اسرائیل با یک آمار تقریباً سه برابری توانسته مجوز حضور در مسابقات را دریافت کند و تا امروز حدود ۴۰ هزار نفر در فلسطین اشغالی به شهادت رسیده‌اند. در خیلی از مناطق نسل‌کشی اتفاق افتاده است، اماکن عمومی و ممنوعه مثل مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها و حتی مکان‌های تاریخی تخریب شده‌اند. اما با همه این‌ها هیچ خبری از محرومیت در المپیک نیست. با یک مقایسه ساده، در یک زمان در دو نقطه مختلف دنیا دو جنگ برقرار است و هزاران انسان بی‌گناه کشته می‌شوند اما یکی از این کشورها از المپیک محروم می‌شود و دیگری محروم نمی‌شود. درخاورمیانه کشور عراق به ایران حمله می‌کند و در طول جنگ حدود ۲۰۰ هزار نفر ایرانی را به شهادت می‌رساند. آمریکا از آن سوی دنیا به افغانستان آمده و نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر دیگر

را می‌کشد و همین آمریکا با همکاری انگلیس در عراق نزدیک ۷۰ هزار عراقی را می‌کشد، اما در طول تمام سال‌هایی که این جنگ‌ها برقرار بوده هیچ کدام از این کشورهای متجاوز از حضور در المپیک محروم نشدند. در المپیک ۲۰۲۴ قبل از شروع مسابقات رئیس کمیته المپیک فلسطین به رئیس کمیته بین المللی المپیک نامه زده و در آن نامه درخواست کرده بود که اسرائیل به دلیل نسل‌کشی در نوار غزه از این دوره مسابقات حذف شود.

متن نامه بدین شرح است:

ورزشکاران فلسطینی به ویژه آنهایی که در غزه هستند، از عبور و مرور امن محروم بوده و به دلیل درگیری‌های مداوم آسیب زیادی دیدند. تقریباً ۴۰۰ ورزشکار فلسطینی به شهادت رسیدند و تخریب اماکن ورزشی و وضعیت اسفناک ورزشکارانی را که در حال حاضر تحت محدودیت‌های شدید قرار دارند، تشدید می‌کنند. آقای باخ رئیس کمیته بین‌المللی المپیک در پاسخ به این نامه، پاسخ کوتاه و البته بی‌ربطی می‌دهد. چنین می‌گوید:

وضع کمیته بین المللی المپیک بسیار روشن است. برای ما دو کشور دو کمیته المپیک مختلف هستند. و این دقیقاً تفاوت سیاست با ورزش است، یعنی از نظر ما این دو کشور مستقل هستند. اما بحث

ما کشور مستقل یا غیرمستقل نیست که صد البته اسرائیل کشور نیست. بحث ما کشت و کشتار و جنایت، و تخریب است. دقیقاً همان پارامترهایی که روسیه را عین آب خوردن از المپیک حذف کرد. المپیک به عنوان مهم‌ترین رویداد ورزش جهان با اعتراض مستقیم به ساختار سیاسی داخل کشورها و تصمیمات داخلی آنها نشان داده که ورزش کاملاً سیاسی بوده و با پیروی کردن از تحریم‌های جهانی، در بازه‌های زمانی مختلف و محدود کردن گزینش کشورهای درگیر جنگ، ثابت کرده که ورزش کاملاً سیاسی است و از سیاست جدا نیست و این سیاسیون هستند که برای ورزش تصمیم می‌گیرند.

حالا اسرائیل بعد از ۷۵ سال اشغالگری و بعد از کشتن ۳۹ هزار نفر فقط در ۳۰۰ روز گذشته با ۸۸ ورزشکار در المپیک ۲۰۲۴ حضور دارد و با پرچم خودش، سرود ملی اش و تشویق رسمی تماشاچی‌هایش در مسابقات شرکت می‌کند. البته همزمان با لبخند بمب‌ها را بر سر مردم بی دفاع و مظلوم غزه می‌ریزد.

# صدا؛ دوربین؛ ایست

نگاهی نقادانه به صداوسیما به بهانه ۹ مرداد و روز رسانه

● ساره سمیع - کارشناسی ارشد اقتصاد

شدند. تحول ایده‌ی خوبی است اما باید پله پله و قدم به قدم پیش رفت؛ جوان‌ترها در کنار پیشکسوت‌ها رشد کنند و دیده شوند و کم کم با بدرقه درست و در شأن آن‌ها نیروهای جدید به روی کار بیایند؛ اینکه شاگرد را مقابل استاد قرار دهیم کار ناشایست و کج‌سلیقگی است و جز ریزش مخاطب و وجهه‌ای بد برای شاگرد، عایدی ندارد؛ مثال بارز کاری است که با آقای فردوسی‌پور و برنامه نود شد، و آقای میثاقی‌ای که جانشین برحق برای ایشان بود اما با بی‌سلیقگی به گوشه رینگ افتاد و مورد آماج توهین‌ها و تحریم‌ها شد.

در نوروز امسال مدیران تصمیم به انعطاف گرفتند و به آنها ثابت شد که اگر در مدیریت رسانه فراگیری همچون تلویزیون، ملاحظات یک رسانه عمومی رعایت نشود، محکوم به شکست خواهد بود. دوربرگردان مدیران، تلویزیون را به سه سال قبل بازگرداند، البته همچنان انتقادات سابق باقی است، به اضافه اینکه حالا خسارت قهر مخاطبان به تلویزیون تحمیل شده و جایگاه این رسانه بین هنرمندان و

اضافه شد، از کیفیت برنامه‌ها کاسته شد و فدای کمیت شد. اگر بخواهیم صورت مسئله را پاک کنیم، می‌گوییم دوران تلویزیون به سر آمده و تمام نقدها را به سرانجام می‌رسانیم و به همین منوال و هدر دادن بودجه ادامه می‌دهیم. اما آیا واقعا دوران صداوسیما تمام شده؟ خیر؛ حقیقتا هر چیز جای خودش را دارد و آمدن قالب‌های جدید رسانه‌ای ممکن است تعداد کلی کاربران سرگرمی و محتوا را بیشتر کند و ساعات مصرف‌شان را افزایش بدهد، اما نمی‌تواند یکی کاملا جای دیگری را بگیرد. تغییر ذائقه‌ها باتوجه به رشد تکنولوژی مشهود است اما رسانه ملی چقدر توانسته پا به پای این تغییر ذائقه پیش بیاید؟

مدیران جدید با شعار تحول به میدان آمدند اما چیزی که در این مورد بسیار در ذوق می‌زد، شوری زیاد این تحول بود، سلبریتی زدایی اساسی شکل گرفت و صداوسیما با جوانان و برنامه‌هایی تقریبا گمنام نتوانست آن‌طور که باید به دل مخاطب بنشیند و از طرفی با رشد نمایش خانگی و کوچ سلبریتی‌ها به VOD ها، مردم به آن سمت جذب

حدود ۵۸ سال از ترکیب رادیو و تلویزیون می‌گذرد و صداوسیمای ایران با عملکردی سینوسی به حیات خود ادامه می‌دهد، که متأسفانه اکنون در دوران حوض خود به سر می‌برد. سوالی که پیش می‌آید این است که «آیا دوران تلویزیون سر آمده است؟» با نگاهی به همین دوران کودکی و نوجوانی خود، میان خاطراتمان نقش تلویزیون و صداوسیما را پررنگ می‌بینیم؛ دهه هشتاد و نودی که اوج رسانه بود و کمتر سریالی بود که با اقبال عمومی مواجه نشود. از برنامه‌های صبح‌گاهی مثل صبح بخیر ایران، ویتامین ۳، صبحی دیگر، حالا خورشید و ... تا برنامه‌های شامگاهی مانند پارک ملت، کوله پستی، عصر جدید، رادیو هفت، این شب‌ها، خندوانه و برنامه‌های پرشماری که احتمالا در ذهن شما آمده، توسط اکثریت جامعه دنبال می‌شد اما شما یا دوستان و خانواده نام چند برنامه حال حاضر را می‌توانید نام ببرید؟ از سریال‌های تولید شده در این سال‌های اخیر کدام‌یک مثل دهه اخیر خیابان خلوت‌کن بوده و پیگیری شما را در پی داشته؟ انگار هرچه بر تعداد شبکه‌ها

مردم تنزل یافته است. بازگشت هنرمندان مطرح صورت گرفت، اما به دلیل عدم برنامه‌ریزی مناسب مورد استقبال خوبی قرار نگرفتند؛ هرچند اوضاع بهتر شد و برنامه مهمانی و سریال زیرخاکی تا حدودی جذب‌کننده واقع شدند.

برای برون رفت از این اوضاع یک سیاست‌گذاری مناسب لازم است و اولین قدم، تخصص و فهم دقیق مدیران از رسانه است که برای شناختن رسانه باید ابتدا مردم را بشناسیم و لازمه شناخت مردم هم زندگی در بین آنهاست. بعد از آن باید از طریق «هنر» باید برای مخاطبان هر سلیقه و هر قشر، مدل‌سازی خاص صورت گیرد. قدم بعدی تولید دغدغه‌مندانه است، تولیدی که کنش‌گر باشد و بتواند نیازی از مخاطب رفع کند و باعث قدرت‌گیری رسانه‌هایی که لازم نباشد فرد از رسانه‌هایی که افکار نادرست را به خوردش می‌دهند استفاده کند. صداوسیما باید مرجع باشد نه که حتی در مواقع حساس اخبارش دیرتر از رسانه‌های خارجی و در مواردی حتی نادرست روایت شود؛ باید مرجعیت داشته باشد و مانند گذشته به افراد حاضر در رسانه اعتبار بدهد، نه که برای جذب مخاطب، دست به

دامن اینستاگرام بزند و با تولید محتوای زرد و فراگیر شدنش در فضای مجازی تماشاچی‌های یکبار مصرف پیدا کند. تلویزیون در این سال‌ها نه تنها در بحث سرگرمی بازی را باخته؛ بلکه در تقریباً تمامی حوزه‌ها عرصه را به دیگر رسانه‌ها واگذار کرده است. مدت‌ها شبکه چهار با برنامه‌های علمی مثل آسمان شب و مستندهای به‌روز علاقه‌مندان را به پای خود می‌نشاند که به یکباره از دست رفت و خلأ برنامه علمی مناسب را به‌وجود آورد. در بخش کودک و نوجوان با وجود شبکه‌های نهال و امید؛ اقبال چندانی به آنها نیست. در بحث سیاست و اقتصاد با توجه به گستردگی موضوعات و اهمیت آنها؛ به عقیده بسیاری هنوز برنامه‌های مناسب و درحد این دو موضوع ساخته نشده، ولی برنامه‌هایی مثل پایش، ثریا و شیوه قابل قبول بوده‌اند؛ در بخش ورزش هم آنطور که باید و شاید، جای نود و فوتبال ۱۲۰ پر نشده است و با سانسورهای بسیار در پخش زنده، مخاطب ترجیح می‌دهد از طریق ماهواره یا اینترنت ورزش را دنبال کند. احتمالاً شبکه محبوب سال‌های اخیر آی‌فیلم بوده است که با پخش سریال‌های قدیمی طعنه‌ای به سریال‌های جدید

زده‌است.

اما در حوزه مذهبی باید اعتراف کرد پیشرفت مشهودی را شاهد بوده‌ایم؛ حسینیه معلی، زندگی پس از زندگی و محفل از نمونه‌های موفق سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و نتیجه سپردن کار به فرد متخصص در این سال‌ها بوده‌اند. این برنامه‌های آیینی- مذهبی پدیدآورنده فرمی تازه در رسانه ملی هستند. شاید بتوان «محفل» را جزء مهم‌ترین این برنامه‌ها لقب داد که در قالب ساختاری نو، سیما را از شر صحنه‌پردازی‌های ساده پیشین که در تولید برنامه‌های مناسبتی بهره می‌برد، نجات داد و نگاه بسیاری را هم در ایران و هم در بخش بین‌الملل برای تماشای به خود جلب کرد. ما در دورانی زندگی می‌کنیم که غرب بیش از هر زمان دیگری سعی دارد گسترده سیطره خود بر ذهن افراد را استمرار ببخشد و آنها را تحت کنترل خود درآورد. به همین خاطر تولید برنامه‌های جذابی همچون محفل می‌تواند توجه‌ها را از آن‌طرف گرفته و به ریشه‌های اینجایی خودمان جلب کند. این اتفاق غنیمتی است که در برهوت برنامه‌سازی در تلویزیون کشورهای اسلامی به چشم می‌آید.

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

مدیر مسئول: زهرا سعیدی

سرمدبیر: نرگس خطیب دماوندی

هیئت تحریریه: محدثه مولایی، ریحانه زین الدینی، ساره سمیع

صفحه آرا: نرگس خطیب دماوندی

@anjoman\_eslami\_alzahra

@anjomanalzahra

شماره تماس: ۰۹۱۱۲۸۰۵۷۲۶ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶